

عظیہ است و تعریف ایا ربی و اسمی و دعای مشروط
 است بشرطی که در فاعله نمی کشد بلکه فاعله آن نظر
 عالم غیب است چنان که در حالت استخاره می باشد تا
 از عالم غیب بگویم آیت و اسم اش را می روی بگویند آیت
 و اسم را بطوری از اولی مقرر شود یک اهل این فن
 تلاوت باید کرد و این است آنچه در نرسد که قصد اید آن کرده
 بودیم الحمد لله اولاد و آخر او فایز او باطن **فصل** یکی از علوم
 و همیه که برین ضعیف نزول فرموده حل معنی مقطعات
 قرآن است و آن معروف برین مقدمه است باید دانست
 که حروف هجا که اصول کلمات عربی است یکی را از آن
 معنی است بسبب که از غایت نازیکه تعبیر از آن بجز **ع**
 نمیتوان کرد از این جهت است که بسیار از مواد متعارف متفق
 با متغایر می باشد در معنی مانند آنکه او کیا از اهل ادب **ع**

کرده اند که هر یک از آن و فاجمع شده است دلالت می کند
 بر معنی خروج لوجهی از دهره مانند نقر و لغت و لغت
 و لغت و لغت و لغت و لغت و هر یک با اولدم جمع شده است
 دلالت میکند بر معنی سگافتن مثل فلت و لغت
 فلت و لغت و لغت و از اینها است که او کیا از اهل ادب
 میداند که عرب بسیار است که یک کلمه را بر دو وجه بسیار
 نقل کنند به معنی حروف متغایر مثل وق و وک
 و ک و نر یا جمله که اید این معنی بسیار است و ما را اینجا مقصود
 و تمیزی است در لغت و این همه لغت عربی است اگر چه
 عرب فتح به تفتیح آن ترسند و نجاة نیز اورا که آن
 کنند چنان که مفهوم تعریف جنس با عرض ترکیب
 اگر از عرب فتح به برسی بر تفتیح حقیقت آن قادر
 نباشند بر چند اعمال اینها می کنند باز موسکافان

که آن